



نگرشی نقد گونه بر

تعزیه

و تعزیه خوانی

● غلامرضا کلی زواره

جلس مجلسا یحیی فیہ أمرنا لم یمت قلبه
یوم تموت القلوب^۲ کسی که مصیبت‌های ما
را بیان کند و به خاطر آنچه بر ما وارد شده
است بگرید، روز قیامت با ما و در درجهٔ ما
است و فردی که مصائب ما برایش بیان شود و
اشک بریزد و بگریاند، در روز قیامت که
تمامی چشم‌ها گریان است، چشم او گریان
نخواهد بود و کسی که در مجلسی که
[احادیث و سخنان ما گفته می‌شود.] و امر ما
در آن زنده نگه داشته می‌شود، حضور یابد،
روز قیامت که همهٔ دل‌ها مرده خواهد بود،
قلب او زنده است.

امامان معصوم علیهم‌السلام نه تنها پیروان
خویش را به برپایی مجلس سوگواری

ائمه هدی در
برپایی مجالس
سوگواری برای
خاندان عصمت و طهارت و خصوصاً
حضرت امام حسین علیه‌السلام و حماسه‌سازان
دشت نینوا تأکید زیادی نموده‌اند. خود
حضرت حسین بن علی علیه‌السلام نیز فرموده
است:

«قولوا لأولیائنا یهتمون فی إقامة
مصائبنا.»^۱ در ایسن مورد روایت امام
رضا علیه‌السلام شهرت ویژه‌ای دارد: «من یذكر
مصائبنا و بکی لما ارتکب منا کان معنا فی
درجتنا یوم القیامة و من ذکر بمصائبنا، فبکی و
ابکی لم تبک عینه یوم تبکی العیون، و من

بیروان امام حسین علیه السلام باید با سخن امامشان هم صدا شوند که می فرماید:

راز اصرار ائمه

بر ماتم سرایی

این است که گریه های

آگاهانه و خالصانه،

افراد را

با نهضت کربلا و قیام

عاشورا پیوند می دهد.

«هیئات متا الذّٰه» و اجازه ندهند طاغوت های زمان - در هر لباس و شکلی که هستند - به ستمگری ادامه دهند و تن به ذلت و خواری ندهند. عزادار حسینی با حضور در مجالس سوگواری و شنیدن مواعظ باید خویشتن را از قیود دنیایی - که او را از توجه به عالم قدس و ملکوت باز می دارد - رها کند و روح و فکر خود را در چشمه جوشانی که حضرت امام حسین علیه السلام جاری ساخته، شستشو دهد.

* عناصر دوستداران اهل

تعزیه بیت علیه السلام می کوشیدند تا

مراسم سوگواری برای خامس آل عبا را با

برای امام حسین علیه السلام و یاران فداکارش دعوت می کردند، بلکه سیره عملی آن ستارگان آسمان امامت این بود که هر سال با نزدیک شدن عاشورا مجالس ماتم برپا می کرده، از شاعران می خواستند مرثیه بخوانند و با شنیدن اشعار سوزناک اشک از دیدگان شان جاری می شد. راز اصرار ائمه بر ماتم سرایی این است که گریه های آگاهانه و خالصانه، افراد را با نهضت کربلا و قیام عاشورا پیوند می دهد. ارمغان این ارتباط فضیلت، فداکاری، شجاعت و روی آوردن به مکارم و معارف خواهد بود. چه خوب است این عزاداری ها همراه با شناخت و معرفت نسبت به ساحت مقدس ائمه اطهار و توأم با اخلاص باشد؛ این سنت در اعماق قلب ها و اندیشه ها نفوذ کند؛ در انسان ها تحوّل ایجاد نماید؛ روان ها را از رذایل اخلاقی که تخریب کننده زندگی اخروی و حتی محدوش کننده زندگی دنیوی است بر حذر دارد و آدمی را در عمل و رفتار پیرو امامان قرار دهد. بنابراین مجالس عزای حسینی دانشگاهی است که مردم را با اسلام راستین آشنا می کند و این شعائر دینی فرصتی مناسب است تا دوستداران اهل بیت علیه السلام تعهد خود را نسبت به مقام شامخ ولایت و امامت تجدید و تحکیم کنند.

می پرداختند، امام خوان، شهادت خوان، اصحاب خوان، اهل بیت خلاق از قبیل: زنان و کودکان و برخی نقش‌های متفرقه‌ای که در برخی تعزیه‌ها مثل چوپان، صیاد، باغبان و قصاب دیده می‌شود، موافق خوان هستند که از طریق خواندن مضامین سوزناک، رفتار، حرکات، رنگ لباس و بهره‌گیری از برخی وسایل و امکانات که فراهم آوردن آن‌ها بسیار ساده است، بر حق بودن و مظلومیت

شعائر دینی فرصتی

مناسب است تا

دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام

تعهد خود را

نسبت به مقام شامخ ولایت

و امامت تجدید

و تحکیم کنند

چهره اولیا را به اثبات می‌رسانند. گاهی نیروهایی غیبی - در حالی که پارچه‌ای سفید بر سر خویش انداخته‌اند - از گوشه مجلس حاضر می‌شوند و حمایت خود را از اولیا اعلام می‌کنند و حوادثی را که قرار است، در آینده رخ

شکوه و ابهت هرچه افزون‌تر بر پا کنند. در عهد صفویه این گونه مراسم رونق فزاینده‌ای یافت و برای افزایش هیجان مردم و پیوستن افراد به جمعیت عزادار طبل و سنج رایج گشت و ادوات جنگی

بنابر این مجالس

عزای حسینی

دانشگاهی است که

مردم را با اسلام

راستین آشنا می‌کند

که در میدان رزم کاربرد داشت مورد استفاده ماتم سرایان قرار گرفت. ^۳ از اواخر این عصر مقدمات شبیه‌خوانی فراهم شد و سرانجام در عهد کریم‌خان زند سوگواری‌های نمایشی - که تعزیه نام گرفت - پدید آمد، اما اوج این نمایش مذهبی مربوط به دوره قاجاریه است و در زمان ناصری گسترش فزاینده‌ای یافت. ^۴ در این سال‌ها بین دویست تا سیصد محل جداگانه برای برگزاری تعزیه اعم از تکیه، حسینیه و میدان وجود داشت. ^۵

تعزیه خوانان برای ترسیم فاجعه کربلا و سایر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام و انبیا در دو جبهه اولیا و اشقیاء به ایفای نقش

حالت نمادی دارد. مانند تشست در تعزیه ابوالفضل که نماد فزات است و شاخه درخت به علامت نخلستان خرمادر تعزیه طفلان مسلم علیه السلام پیراهن خون آلود که نمادی از جراحت و زخم است، پارچه‌ای سفید - که شهادت خوان بر تن می‌نماید - فرار سیدن زمان شهادت را اعلام می‌نماید. رنگ زرد لباس کسی است که دنیا را برگزیده و نفاق، ترس و پستی او را آشکار می‌کند، در برخی تعزیه‌ها وسایل، اختصاصی می‌شود. مثل: تابوت در تعزیه امام حسن علیه السلام، عَلم در تعزیه حضرت عباس علیه السلام، کُند و زنجیر در تعزیه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حجله عروسی در مجلس شهادت قاسم علیه السلام، آسیا در تعزیه فاطمه زهرا علیه السلام. از جنبه‌هایی که در تکمیل صحنه‌های تعزیه مؤثر است وجود حیوانات است، گاهی حیوانات به اشقیا یورش می‌آورند و در مواقعی بر مصائب کربلا سوگواری دارند.

*** محاسن تعزیه، روایت**

و جلوه‌های حماسه‌ای مقدس اما

هنری تعزیه خونین است که دو

جبهه را به تصویر می‌کشد: یکی مسیر

سقوط را طی می‌کند و دیگری صعود به

سوی عرشیان را پیش گرفته است. نبردی

دهد، به آنان اطلاع می‌دهند. گروهی هم نقش اشقیا را به عهده می‌گیرند، این افراد با صداهای بریده، نعره کشیدن، پای بر زمین کوبیدن، حالت جانیان را به خود گرفتن و قیافه‌ای عصبی و خشن همراه با آهنگی تند و ناخوشایند صدای تن و پی‌درپی می‌خواهند ستمگری و خیانت‌های مخالفان اهل بیت علیهم السلام را برای مردم تجسم نمایند. از نکات جالب و هنری تعزیه مزمت کردن اشقیا از یکدیگر و بخوبی ستودن اولیا است که گاهی حالت گریه به خویش می‌گیرند و تنفر خود را از امویان اعلام می‌کنند و به طرز جالبی با نقش اصلی خسویش فاصله می‌گیرند.

تعزیه‌خوانان گفتاری را که باید به تناسب نقش بیان کنند، از روی متن‌هایی - که نسخه نام دارد - می‌خوانند. مجموعه چند نسخه مربوط به یک تعزیه، «مجلس» نام دارد و هر مجلس، نوشته‌ای ضمیمه خود دارد که در آن اولین کلمه و نیز فردی که باید شبیه آن بخواند نوشته شده است. این برگه فهرست یا بند برگردان نامیده می‌شود و حضور معین البکا یا تعزیه گردان برای ایجاد هماهنگی لازم، ضروری است. از ادواتی چون طبل، شیپور و نی در تعزیه استفاده می‌شود. علاوه بر این وسایل گاهی از وسیله‌ای استفاده می‌شود که

بر سراسر حسینیه حاکم می‌گردد.^۶

۲- در تعزیه حوادث قبل از عاشورا - که برای انبیا علیهم‌السلام پیش آمده - ضمن مطرح کردن زندگی یکی از فرستادگان الهی علیهم‌السلام مصائبی را که بر وی رفته بیان می‌کند اما در هنگام وارد شدن ابتدایی بر پیامبران علیهم‌السلام یا بستگان آنان، هاتف غیبی حادثه کربلا را یادآور می‌شود و در مقایسه با فاجعه عاشورا آن بلاها اندک جلوه داده می‌شود. در واقع تمامی حادثه‌هایی که برای بزرگان و افراد مقدس پیش آمده چون جویباری به نظر می‌رسند که به اقیانوس کربلا می‌ریزند.

۳- یکی از ویژگی‌های تعزیه هماهنگی کاملی بین متن مندرج در نسخه‌ها و افعال افراد است؛ یعنی، حالت، روش و رفتار تعزیه‌خوان با موردی که در متن جاری است انطباق دارد. به عنوان نمونه وقتی می‌خواهد مطلبی را برای فرد مقابل بیان کند، از حرکت دست و صورت برای القای بیشتر آن مفهوم استفاده می‌کنند. یا چون سخن از ابراز محبت باشد، دست مهر بر سر او می‌کشند؛ در هنگام وداع حالت ملاطفت به خود می‌گیرند؛ چون بخواهند سخن از گذشته دور بگویند، به دورها اشاره می‌کنند؛ شهادت‌خوان در برخورد با کودکان نرم،

در آن ترسیم می‌گردد که در یک طرف شجاعت، ایمان و فداکاری قرار می‌گیرد و در طرف مقابل، همه ترویرها و شقاوت‌های شیطان قامت راست می‌کند. سرانجام این صحنه‌ها پیروزی خون بر شمشیر را به تماشاگران می‌آموزد و می‌توان مزایای آن را در امور ذیل خلاصه نمود:

۱- گاهی مایه‌هایی از روضه‌خوانی و سینه‌زنی به شیوه‌ای هنری در تعزیه جلوه‌گر می‌شود. شیوه‌گریز زدن به کربلا در تعزیه‌های الهام گرفته از مراسم روضه‌خوانی است. تعزیه‌خوانان در آغاز هر مجلس تعزیه حلقه‌وار روی سکوی مرکزی حسینیه جمع شده، اشعاری را که به آن‌ها «همسرای» یا «درآمد» می‌گویند با هم می‌خوانند که برگرفته از نوحه‌های سینه‌زنی است. به همین دلیل در برخی مناطق، این همسرای را نوحه می‌گویند. حتی لحن نوحه‌های سینه‌زنی در متن تعزیه‌ها قابل مشاهده است. در برخی مجالس تعزیه شهادت‌خوان ضمن نوحه‌خوانی و سینه‌زنی تماشاگران را دعوت به سینه‌زنی می‌کند تا آن که رفته رفته نمایش تعزیه از حالت دستور صحنه‌ای خارج شده و تمامی حاضران را یک پارچه نموده و نوای سینه‌زنی گسترده

ملایم و سوزناک سخن می‌گوید؛ در مقابل امام نهایت احترام و فروتنی را رعایت می‌کند؛ در برابر اشقیبا با صلابت و ابهت سخن می‌گوید؛ می‌خواهد هم مخالفان را به خاطر پیوستن به دنیا و جهالت‌گرایی تحقیر کند و جنایات آنان را محکوم نماید و حماسه‌های پر شکوهی را برای مصاف با مخالفان به نمایش می‌گذارد.

تعزیه، هنری است مذهبی

که ضمن سوگواری جنبه

تبلیغی، آموزش

و تربیتی دارد.

شهادت خوان در هنگامی که زخم می‌خورد و مجروح می‌شود، لحن گفتارش عوض می‌شود. از همین روست که هنگام نگارش نسخه‌های تعزیه، سرایندگان، صحنه و نحوه بیان را توضیح نداده‌اند و تنها با کمک گرفتن از ذوق خویش چنان اشعار را سروده‌اند که هر تعزیه‌خوانی با کمی دقت و هوشیاری به سهولت می‌تواند نقش و موقعیت را از متن باز یابد و بین شعر و صحنه هماهنگی کامل ایجاد کند. اگر بناست بجنگد، شمشیر از غلاف بیرون می‌کشد. اگر قرار است از فرات آب بیاورد، مشک

خشکیده‌ای را بر دوش می‌گیرد.

۴- زبان تعزیه شعر و از ارکان مهم و سبک اصلی بیان آن است، این زبان را تعزیه از مرثیه‌سرایی اقتباس کرد. موضوع سواد بازیگران تعزیه، زبانی را می‌طلبد که زودتر حفظ شوند و با چند بار شنیدن، احتیاجی به مراجعه نباشد. از این نظر زبان شعر خیلی مؤثر بود. همچنین شعر بیشتر بر دل تماشاگران می‌نشیند و جایگاه مؤثری در اجتماع دارد. وقتی با حالت‌های بسازیگران توام گردد، اثرپذیری و آموزندگی آن مضاعف می‌شود.

۵- مردم در تعزیه حضوری فعال دارند و به عنوان تماشاگر عادی در آن حضور ندارند، بلکه جهت تدارکات آن بر حسب توانایی‌ها و مشاغلی که دارند، می‌کوشند. همه این کارها را به قصد اجر بردن و بهره‌مند شدن از ثواب انجام می‌دهند. حرکت دادن نخل، حمل بیرق‌ها، زیر تابوت رفتن، حمل شبیه شیر، آوردن وسایل و امکانات تعزیه‌خوانان، فراهم کردن اسب، استر و شتر از سوی مردم صورت می‌گیرد. مهم‌تر از این، آن‌که مردم در صحنه‌های تعزیه غرق می‌شوند و با مشاهده وقایع حزن‌انگیز آن، فجایع کربلا را در اذهان خویش تداعی می‌کنند، بر مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام می‌گیرند، از

۷- گاهی برخی کارها در تعزیه جای

چندین بیت شعر و یا جمله‌های زیادی را
پر می‌کند و با یک عمل جزئی مفاهیم به
تماشاگران القا می‌شود. به عنوان مثال
وقتی شمر شیرینی را از سفره عقد
شهادت خوان بر می‌دارد؛ یعنی، شادی‌ها به
پایان رسیده و نوبت سوگ و ماتم است و
گیل به سر مالیدن اشاره به روی دادن
واقعه‌ای دردناک است.

۸- در تعزیه فاصله‌ها خیلی کوتاه

می‌شود. راه بین کوفه تا کربلا، با چند بار
گشتن بر دور سکوی حسینیه پیموده
می‌شود و مسافت بین میدان جنگ تا خیام
حرم از تخت (سکوی) حسینیه تا چند
قدمی آن، کنار حسینیه است. فاصله، میان
دنیاى فانی و آخرت آن قدر کم است که
اهل دوزخ و بهشتیان مثل آدم‌های این دنیا
با هم زندگی می‌کنند اما یکی در مشقت
عذاب و مجازات و دیگری در نهایت
آرامش و آسایش. سکوی حسینیه بنا به
مقتضای تعزیه‌ای که بناست، خوانده شود،
به چند بخش تقسیم می‌گردد. در یک
گوشه بستر استراحت زنان و کودکان اهل
بیت علیهم‌السلام است. در قسمتی دیگر حاکم
کوفه مشغول توطئه است و سرداران خود
را برای انجام جنایت مشخص می‌کند.
شهادت‌خوان در قسمتی از سکو مشغول

ستمگران نفرت پیدا می‌کنند.

۶- در تعزیه آنان که در نقش چهره
مقدس و معصوم نقش بازی می‌کنند،
تلاش می‌نمایند به دلیل والایی مقام
شخصی که به نقش او پرداخته‌اند خود را
فقط ذاکر و یادآورنده مصائب قلمداد کنند
و آنانی که در نقش اشقیای مشغول هنرنمایی

تعزیه یک سنت شیعی

است که ادعا دارد،

می‌خواهد از طریق نمایش

برای حماسه‌سازان کربلا

به نوحه‌سرایی

و عزاداری پردازد

و واقعه سوزناک کربلا

را در منظر حاضران در

مجلس ترسیم نماید.

هستند، به دلیل ستمگری نقش اصلی و
نفرتی که مردم از آن‌ها دارند، فاصله
گزینی از آنان را رعایت می‌کنند و از این
هم فراتر رفته و بر قاتلان شهیدان کربلا
لعن و نفرین می‌فرستند و اولیا را تکریم
می‌کنند.

خداحافظی با امام است و لباس رزم بر تن می‌کند، طبال و سنج‌زن نیز روی سکو مشغول هنرنمایی هستند. گاهی شهرهایی که فرسنگ‌ها با هم فاصله دارند، در چند قسمت سکو مشخص شده است. در تعزیه اسیری اهل بیت علیهم‌السلام کوفه، کربلا و شام در سه مکان جدا در سه بخش تخت میدان (سکو) مشخص شده است.

ما اجازه نداریم

برای سوزناک شدن

صحنه‌ها از هر وسیله‌ای

کمک بگیریم،

صحنه‌های کربلا که

در منابع مستند آمده،

به اندازه‌ای تأثیرانگیز است

که دل‌های مشتاق و قلوب

پاک را محزون می‌نماید

* لزوم مراعات موازین دینی در مراسم مذهبی تعزیه، هنری است مذهبی که ضمن سوگواری جنبه تبلیغی، آموزش و تربیتی دارد. زیرا مردم همان گونه که اشاره گردید، در مراسم مذهبی تعزیه، هنری است مذهبی که ضمن سوگواری جنبه تبلیغی، آموزش و تربیتی دارد. زیرا مردم

با مشاهده این نمایش‌ها اطلاعاتی را در خصوص تاریخ اسلام، حوادث صدر اسلام و عصر ائمه علیهم‌السلام کسب می‌نمایند. به علاوه تصورات آنان از اهل بیت علیهم‌السلام و دشمنان آن خاندان متأثر از تعزیه می‌باشد، از سوی دیگر تعزیه یک سنت شیعی است که ادعا دارد، می‌خواهد از طریق نمایش برای حماسه سازان کربلا به نوحه‌سرایی و عزاداری بپردازد و واقعه سوزناک کربلا را در منظر حاضران در مجلس ترسیم نماید. در این راه باید اصول اسلام مدنظر باشد، از فرهنگ قرآن و عترت بهره گرفت و جهات شرعی و موازین دینی را رعایت کرد. ما اجازه نداریم برای سوزناک شدن صحنه‌ها از هر وسیله‌ای کمک بگیریم، صحنه‌های کربلا که در منابع مستند آمده، به اندازه‌ای تأثیرانگیز است که دل‌های مشتاق و قلوب پاک را محزون می‌نماید و اشک‌ها را جاری می‌کند و هر کس محبت امام حسین علیه‌السلام را داشته باشد، می‌گرید. اسلام به ما اجازه نمی‌دهد برای دفاع از حق و نشر حقایق، سخن نادرست، روایت جعلی، حدیث ضعیف، اشعار بی‌پایه و مضامین سست را به کار بگیریم و اصولاً حق را با امور غیر حق در آمیختن کار درستی نیست و معنویت اسلام تاب همراهی با امور خرافاتی و وهن‌انگیز را

و اولیا ارتباط دارد، باید از چنین اصلی تبعیت کند.

۳- خداوند از مردمان مؤمن می‌خواهد از پذیرش هر نوع سخن بدون اساس علمی پرهیز کنند و از سخن پراکنی بیهوده اجتناب ورزند.

«اذ تلقونه بالستکم و تقولون بافوا حکم ما لیس لکم به علم و تحسبونه هیئا و هو عند الله عظیم»^{۱۰}؛ «آن گاه که آن سخن را از دهان یکدیگر می‌گرفتید و چیزی بر زبان می‌راندید که درباره آن هیچ نمی‌دانستید و تصور می‌کردید که کاری خرد است و حال آن که در نزد خدا کاری بزرگ بود.»

۴- قرآن برای قومی که کلام حق را تحریف کنند، عذاب عظیم را معین کرده است.^{۱۱}

۵- حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «یا معشر الشیعه انکم قد نسبتم الینا کونوا لنا زینا ولا تکنونوا علینا شیئا...»^{۱۲} ای گروه شیعه شما به ما منسوب هستید. برای ما زینت باشید و مایه عار و ننگ ما نگردید.

براساس این فرموده امام ما باید در همه زمینه‌ها و از جمله، در ترویج فرهنگ ائمه علیهم السلام و معرفی سیره آن بزرگواران زینت آنان باشیم. برای اجرای این دستور در مسأله مورد بحث باید از امور وهن‌انگیز و حرکات و صحنه‌های

ندارد. حضرت امام حسین علیه السلام به پیروان خویش توصیه می‌فرماید: «انّی ادعوکم الی احواء معالم الحق و امانه البدع فان تجیبوا تهتدوا سبیل الرّشاد»^۷

شما را به زنده ساختن نشانه‌های حق و از میان برداشتن بدعت‌ها فرا می‌خوانم. اگر دعوت مرا بپذیرید، به راه‌های هدایت، هدایت خواهید شد.

دست اندرکاران تعزیه باید در نظر داشته باشند که:

۱- خداوند می‌فرماید: «انّ الله یأمرکم ان تودّوا الامانات الی اهلها»^۸؛ «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها بدهید.»

با توجه به گستردگی معنای امانت و توجه به در بر گرفتن مفاهیم معنوی عدم بیان حقایق دینی و یا هر نوع تصرف و تحریف در آن خلاف دستور قرآن است و خود یک نوع خیانت به شمار می‌آید.

۲- کلام الهی تأکید می‌نماید: «ولا تلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق و انتم تعلمون»^۹ از این آیه چنین استفاد می‌گردد. هر کاری که موجب شبهه، اشکال و روشن نگشتن حقیقت گردد، به گونه‌ای که معنای آن قابل درک نباشد، از نظر قرآن مورد نهی واقع شده است و بیان حوادث تاریخی که مخصوصاً به سیره انبیا

ذیل در بروز این امور تحریفی و نمونه‌های وهن‌انگیز دخالت داشته‌اند:

۱- استفاده از منابع و مأخذ مخدوش در هنگام تحریر شبیه‌نامه‌ها.

کتاب اسرار الشهاده یا

«اکسیر العبادات

فی اسرار الشهادت»

اثر آخوند ملاآقا

از دیگر منابع مورد استفاده

در تعزیه است

که مضامین آن مورد اعتماد

علمای شیعه نیست

و مطالبش را معتبر

نمی‌دانند.

در مجالس تعزیه از کتاب «روضه الشهداء» ملاحسین کاشفی - که اولین مقتل به زبان فارسی است - به حدّ وفور استفاده گردیده است، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، از علمای مشهور عصر صفوی، بر این باور است که از آثار مؤلف این کتاب چنین بر می‌آید که سنی مذهب است و اکثر و بلکه همه روایاتی که وی در تألیف کتاب

نادرست و غیر واقعی و موهوم احتراز کنیم.

* دلیل غبار غلیظ کم نیست

اوهام و تحریفات مجالس تعزیه‌ای

در تعزیه که از سر سوز و

گداز ترسیم شده و مضامین آن‌ها توانسته

در حدّ معقول و متعارفی اهداف تشیع را

پی گیرد و چهره انسان‌های مقدّس را تا

حدودی درست ترسیم کند. از این

نمونه‌ها که بگذریم، اگر تعداد قابل

توجهی از مجالس تعزیه، بر منابع قرآنی،

روایی یا تاریخ مستند تشیع و اصول

اعتقادی عرضه شوند، اشکالات اساسی و

غیر قابل اغماضی دارند. متأسفانه این

نمایش زیبای مذهبی که می‌تواند وسیله

تبلیغ مناسبی برای نشر فرهنگ اهل

بیت علیهم‌السلام و سوگواری خامس آل عبا باشد،

با غبار غلیظی از اوهام و خرافات گوناگون

و زنگارهای چشمگیر برگزار می‌شود و

تعزیه‌ای که باید مکارم، فضایل و دانش

ائمه را با آن صراحت‌ها، حق‌گویی‌ها،

ایثارها و دفاع از جبهه حق یادآور شود، در

اسارت مطالب وهن‌انگیز و در محاق

عباراتی مخدوش و تحریف شده قرار

می‌گیرد.

بررسی‌ها حاکی از آن است که عوامل

می‌گردد بخشی از تحریقاتی که در پاره‌ای شبیه‌نامه‌ها صورت گرفته، معلول حس اسطوره‌سازی است که باید این امور را از نسخه‌های تعزیه پاک کرد.

۳- نفوذ فرهنگ عامیانه و سنت‌های بومی و محاورات کوچه و بازاری در مجالس و صحنه‌های تعزیه.

مراسم حنا بندان، آرایش حجله‌عروسی، قند بر سر عروس ساییدن، نوع سوگواری‌ها و گاه افشاندن بر سر و صورت، پاره‌ای دشنام‌هایی که به اشقیاء داده می‌شود و برخورد‌های عاطفی مادران شهیدان کربلا با فرزندان‌شان از آداب و رسوم عامه الهام پذیرفته که در مواردی این گونه تأثیرپذیری با فرهنگ اصیل تشیع تبیین دارد.

۴- تأثیرپذیری از نمایش‌های قرون وسطی.

تعزیه در سیر تکوینی و هنگام سرودن اشعار و تنظیم نسخه‌های آن از نمایش‌های مذهبی قرون وسطی متأثر بوده است. ملک الشعرای بهار می‌گوید: «آن‌ها [اروپائیان] زودتر از ما تعزیه راه می‌انداختند و خود را می‌زدند و زخمی می‌کردند.»^{۱۶} حضور افراد فرنگی در تعزیه - که به عنوان شخصیت‌های مثبت و مورد حمایت اهل بیت علیهم‌السلام معرفی

روضه‌الشهدا به کار گرفته، از کتب نامشهور بوده که مورد توجه اعلام شیعه قرار نگرفته است.^{۱۳} استاد شهید مرتضی مطهری نیز مؤلف این کتاب و اثر مورد اشاره را مورد انتقاد شدید قرار داده است.^{۱۴} کتاب *اسرار الشهاده* یا «اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت» اثر آخوند ملاآقا پسر عابدین پسر رمضان پسر زاهد در بند شیروانی (متوفی به سال ۱۲۸۶ هـ ق.) از دیگر منابع مورد استفاده در تعزیه است که مضامین آن مورد اعتماد علمای شیعه نیست و مطالبش را معتبر نمی‌دانند.^{۱۵}

۲- تأثیرپذیری از افسانه‌های اساطیری قبل از اسلام.

در وجود انسان حس اسطوره‌سازی و قهرمان‌پروری وجود دارد و بر این اساس از گوش دادن قصه‌های اساطیری لذت می‌برد و نگارش افسانه‌های آمیخته به اغراق برای قهرمانان ایرانی در راستای چنین تمایلی صورت گرفته است، اما در اسلام به جای اسطوره، الگو و اسوه مورد توجه است و اسوه‌پذیری انسان، اصلی فطری و توحیدی است. اسوه بر خلاف اسطوره مجموعه‌ای از باورهای ایمانی و معارف اعتقادی انسان است که در عرصه عمل و رفتار در سیمای انبیا و اولیا آشکار

که شاهی بی‌کفایت و فاقد تدبیر بود، مجلس تعزیه اختصاصی ترتیب دادند که در مطلع آن آمده است:

حمد پروردگار لیل و نهار

سروری داده است بر قاجار

عبدالله مستوفی نیز می‌نویسد: «...»

ناصرالدین شاه ... شبیه‌خوانی را وسیله اظهار تجمل و نمایش شکوه و جلال سلطنتش کرد.^{۱۷}

دکتر حمید عنایت هم می‌گوید: «...»

[در دوران قاجاریه] تعزیه توسط دار و دسته‌های مقتدر مالی و سیاسی رونق یافت که آن را همچون وسیله‌ای برای تحکیم تسلط خود بر عاقله مردم به کار بردند.^{۱۸}

در دوران روی کار آمدن رضاخان که

تعزیه از مراکز شهری به روستاها انتقال یافت، خوانین و کدخداهای امور تعزیه دخالت کردند و برخی صحنه‌ها را به نفع مقاصد خویش تغییر دادند و عوام هم باورهای خرافاتی خویش را به مجالس تعزیه راه دادند.

۶- تلاش برای اشک گرفتن و

رضایت مردم، بعضی از تعزیه‌نویسان و شبیه‌خوانان سعی بسیار دارند که مجلس تعزیه پر حرارت شود و از تماشاگران اشک بگیرند و برای رسیدن به این انگیزه

می‌شوند و تنظیم تعزیه‌هایی به نام قانیا پادشاه فرنگ و تعزیه ظهیری و قیصر روم - ناشی از نفوذ مضامین نمایش‌های مسیحی در مجالس مذکور است.

۵- دخالت سلاطین در عصر قاجاریه

سلاطین این سلسله در جهت احیا و

توسعه مجالس تعزیه مصمم بودند. برای

بهتر برگزار شدن آن از شعرا خواستند تا

متن‌های منظومی را بدین منظور بسرایند.

این دخالت موجب شد تا سلیقه حاکمان

جور و ستم و حتی فرهنگ پادشاهی به

مجالس تعزیه رخنه کند. به ویژه آن که

شعرا برای خوش آمد پادشاهان مضامینی

را بدون آن که حتی تناسبی هم داشته باشد،

تعزیه

ناصرالدین شاه

... شبیه‌خوانی را

وسيله اظهار تجمل

و نمایش شکوه

و جلال سلطنتش کرد.

می‌افزودند. متأسفانه اکنون این گونه

تعزیه‌ها به اجرا در می‌آید و متن آن‌ها هم

در نشریات رسمی چاپ شده است. کار

بدان جا رسیده که برای فتحعلی شاه قاجار

ذکر موارد و مصادیق آن بپردازیم، این مقال را مجال آن نیست ولی به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

۱- حضرت امام حسین علیه السلام با آن ابهت معنوی و شکوه ملکوتی در برخی تعزیه‌ها مردی نسبتاً سالخورده عیالوار و گرفتار معرفی می‌شود که از فرط غریبی و بی‌کسی حالت التماس به خود گرفته و چون بیم آن دارد که کودکش از فرط تشنگی غش کند، از دشمنان تقاضای آب می‌کند و متأسفانه طبق روایت تعزیه این امام به طرز فجیعی نفله می‌گردد. شهید مطهری از این روند اسف بار ناراحت شده و فریاد برمی‌آورد: «... آدمی که کشته شدنش سبب شد که نام او پایه کاخ ستم کاران را برای همیشه بلرزاند نفله شد! تو نفله شدی بیچاره نادان... تو به حسین علیه السلام توهین می‌کنی که می‌گویی نفله شد...»^{۱۹} شکل ذلت بار دادن به این حرکت سراپا عزت آفرین و احیاکننده دین - که اگر نبود، به راستی درخت دین دچار پژمردگی می‌شد و ظراوت خود را از دست می‌داد - یک اعتقاد خرافی، خلاف عقل و منطق دینی است.

۲- در تعزیه، حضرت زینب که دنباله رسالت برادرش را برای استمرار نهضت کربلا و افشای ستم بر دوش گرفته است،

متأسفانه به اموری تمسک یافته‌اند که با ارزش‌های دینی مغایرت دارد.

بعضی از دست‌اندرکاران تعزیه به موازات فاصله گرفتن از امور شرعی و بی‌توجهی به تذکرات مراجع تقلید مبنی بر اجتناب از امور وهن‌انگیز و کذب، خود را به عامه مردم نزدیک ساخته‌اند و برای این که تعزیه آنان گیرا و جالب باشد و رضایت اهالی کوچه و بازار را تأمین کنند، در چاه تحریف و دروغ‌سازی سقوط کرده‌اند و از فرهنگ حماسی کربلا فاصله گرفته، به مقصد شهیدان دشت نینوا پشت کردند.

۷- تعزیه به صورت منظوم است، انتخاب اجباری این گونه زبان، تنگی قافیه، قحطی ردیف، سبکی وزن و شکستگی مصرع‌ها را پدید آورده است و همین مشکلات موجب شده تا در بعضی موارد برای جور شدن قافیه از الفاظ و عباراتی کمک بگیرند که با فرهنگ تشیع نه تنها تناسب ندارد، بلکه معارض موازین این مذهب است.

*** نمونه‌های** عواملی که منجر

تحریفات به ایجاد تحریف و خدشه‌دار شدن تعزیه‌ها شده به اجمال مورد بررسی قرار گرفت. اگر بخواهیم به

حاضران در مجلس را تحریک کنند و مردم را به گریه وادارند، ماجرای ناکامی علی اکبر و داماد نشدن او بسیار مورد تأکید و اصرار قرار می‌گیرد.

علی اکبر: چه وصیت پسرت شوق شهادت دارد

امام: آرزو بود دلم را که داماد شوی!
علی اکبر در میدان رزم: جوانان شماها عروسی کنید ز ناکامی من یاد آورید.

و به شمر می‌گوید: خواهم روم مدینه عروسی به پاکنیم!

و امام وقتی به بالین پیکر غرق در خون فرزندش می‌رود، از این که او را داماد نکرده، ناراحت است.

حال آن که حضرت علی اکبر علیه السلام طبق مصادر تاریخی ۲۸ سال داشته و با فرهنگ ائمه در تباین است که او در این سن به حال تجرد زندگی کند و نیز از منطق علی اکبر دور است که در هنگام حماسه آفرینی مدام به فکر عروسی و این گونه برنامه‌ها باشد. شهید مطهری از این مضامین آشفته شده و می‌گوید: «شمارا به خدا ببینید حرف‌هایی را که گاهی وقت‌ها از یک افراد در سطح پایین می‌شنویم که مثلاً می‌گویند: آرزو دارم عروسی پسرم را ببینم، به فردی چون حسین بن علی علیه السلام

خواهر نوحه‌گری است که روزگارش سیاه شده و تا شهیدان را می‌بیند، از خود بی‌خود می‌شود؛ از فلک و روزگار شکایت می‌کند؛ به تقدیر الهی اعتراض می‌نماید و از این که الم و غم نصیب او شده، گله دارد. از زبان امام به وی دلداری داده می‌شود که از روز ازل او را برای محنت و رنج ساخته‌اند و این حکم جبری است که باید این بانوی بزرگوار ستم‌دیده، زار و مضطر باشد و حضرت امام حسین علیه السلام هم راضی گشته که او خوار گردد!

۳- در تعزیه این گونه به تماشاگران و حاضران در مجلس القا می‌شود که حضرت عباس علیه السلام به دشمن توجه دارد و چون حضرت امام حسین علیه السلام متوجه گرایش او به اشقیاء می‌شود، خطاب به وی می‌گوید:

بیا زیاری من، دست خویش کن کوتاه
برو به لشکر اعداء خدا تو را همراه
بگو که سبب پیغمبر برادر من نیست

بگو که زینب غم دیده خواهر من نیست
حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هم از رنجیدگی عباس و قهر دو برادر با خبر می‌شود و به شکوه‌های ابوالفضل گوش می‌دهد.

۴- در تعزیه برای این که تأثیر

وقایع عاشورا می‌داند.^{۲۱} و محدث نوری صاحب مستدرک الوسائل^{۲۲} و نیز محدث قمی حضور ام لیلا را در کربلا یا کوفه یک دروغ تاریخی دانسته‌اند و به مأخذی در این خصوص دست نیافته‌اند.^{۲۳}

۶- در تعزیه به حضار این گونه تفهیم می‌گردد که حماسه سازان کربلا بدین منظور راه شهادت را برگزیدند که گناهکاران امت را نجات دهند و این باور غلط را که کلیساها تبلیغ کرده‌اند به نسخه‌های تعزیه راه داده‌اند. چنین برداشت نادرستی از مسأله شفاعت اهانتی صریح و آشکار به ساحت مقدس حضرت امام حسین علیه السلام و عقیم جلوه دادن هدف پاک سالار شهیدان و یاران اوست. اگر به راستی این انسان‌های پاک برای رهایی افراد معصیت‌کار کشته شدند، نعوذ باللّه! و سینه امیدواری و پشتگرمی افراد گمراه و گناهکار فراهم آمده و به طور غیر مستقیم خلافتکاری و عصیان بر علیه فرامین الهی ترویج شده است.

۷- طبق روایت تعزیه، حضرت امام حسین علیه السلام بنا بر وصیت برادرش امام حسن علیه السلام تصمیم گرفت قاسم بن حسن علیه السلام را داماد خویش کند و این کار را در موقعی انجام داد که موسم رزم و میدان نبرد بود و در آن صحرای سوزان و پس از

نسبت می‌دهند. آن هم در گرما گرم زد و خورد که مجال نماز خواندن نیست.»^{۲۰}

۵- بخش مهمی از مجلس تعزیه علی اکبر به برخوردهای بسیار احساساتی و عاطفی بین علی اکبر و مادرش ام لیلا و گفت و گوی التماس آمیز این زن با زینب و امام حسین علیه السلام مبنی بر این که علی اکبر به میدان جنگ نرود، اختصاص یافته است. که این موضوع فاقد اعتبار تاریخی است. مورخان می‌گویند: یکی از تأثرات امام حسین علیه السلام به خاطر درگذشت ام لیلا بوده است و علامه مقرّم احتمال داده که وی قبل از ماجرای کربلا در گذشته است.

حضرت علی اکبر علیه السلام

طبق مصادر تاریخی

۲۸ سال دانسته

و با فرهنگ ائمه

در تباین است که

او در این سن به حال

تجرد زندگی کند

استاد شهید مرتضی مطهری قضیه لیلا و علی اکبر را از نمونه‌های تحریف در

آوردن جرعه‌ای آب، غریبی و بی‌کسی امام معصوم و اصل قرارداد این موضوعات، نهضت کربلا را از آن ایمان و اخلاص، شجاعت، فداکاری و معنویت امام حسین علیه السلام و یارانش جدا می‌کند.

استاد شهید

مر ترضی مطهری

قضیه لیلا و علی اکبر

را از نمونه‌های

تحریف در وقایع عاشورا

می‌داند.

۹- شایسته نیست تحت عنوان بدیهه‌سرایی، صحنه‌هایی در تعزیه پدید آوریم که واقعیت ندارند و کتب معتبر حدیث و تاریخ به آن‌ها هیچ اشاره‌ای ندارند و اصولاً شأن و منزلت ائمه هدی و یاران آنان با این گونه اعمال و رفتارها تناسبی ندارد. معمولاً گوشه‌ای از یک حادثه را برگزیده و با نیروی تخیل، احساس و عواطف، از آن تعزیه ساخته‌اند.^{۲۸} در حالی که بدیهه‌سراییان اجازه ندارند، در پیشگاه پاکان و پارسایان به ترسیم صحنه‌های دروغ و غیرواقعی پردازند. ببینید در این اشعار چقدر مقام

آن همه مصائب و در شرایطی کاملاً بحرانی بساط نشاط و بزم عروسی فراهم گردید و این در حالی است که بدن علی اکبر علیه السلام چاک‌چاک شده و بر زمین قرار گرفته و فاطمه نوعروس در حال سوگواری برای برادرش می‌باشد! جمع متضاد در این تعزیه مشاهده می‌شود، عروسی، عزاداری، نعش علی اکبر و عروسی قاسم. این تعزیه به قدری حالت استهجان دارد که مرحوم علامه حاج شیخ جعفر شوشتری از تعزیه‌گردانان خواست که اگر نمی‌خواهند موارد وهن و انحراف را از تعزیه‌ها دور کنند، حداقل تعزیه قاسم را از این برنامه‌ها حذف کنند.^{۲۴}

علامه مجلسی ماجرا و داستان دامادی قاسم را فاقد اعتبار دانسته^{۲۵} و محدث نوری عقیده دارد قصه عروسی قاسم از کتاب روضه الشهداء به مراسمی چون شبیه‌خوانی راه یافته است^{۲۶} و محدث قمی این حکایت را عاری از صحت دانسته است.^{۲۷}

۸- طرح کردن موضوعاتی از قبیل تمنای آب توسط حماسه‌سازان عاشورا، یتیمی و دربدری فرزندان ائمه، غش کردن علی اصغر و دیگر کودکان از عطش، وصف چشم و ابرو و زلف علی اکبر و قاسم، التماس به مخالفان برای به دست

می آید تا خود را فدای امت گنه کار کند. همچنین طبق نقل تعزیه وقتی مسلم در مسیر بین مکه تا کوفه با مشاهده کشته شدن صیدی توسط صیاد، سفر خویش را بدشگون می داند و ترس و واهمه به دل چون شیر خود راه می دهد. آیا می توان قبول کرد، نایب و مورد وثوق امام به فال بدزدن، عقیده داشته باشد و براساس یک باور موهوم خرافی بترسد؟، مسلم در تعزیه می گوید:

آه صیاد روزگار دغَل
به یقینم که در کِشد صیدی به بغل
این سفر خوش شگون نخواهد بود
حاصلش غیر خون نخواهد بود
بهتر آن است که ترک راه کنم

عرض بر شاه کم سپاه گنم
۱۲- امامی که حضورش در جمع
اسرای کربلا و سخنان پر شورش تفسیری
بود بر واقعه عاشورا و در مسجد شام با
نهایت شجاعت و شهامت به سخنرانی
پرداخت که جامعه ستم زده آن روز را
بیدار کرد، در تعزیه ایشان را به صورت
فردی ناتوان و افسرده جلوه می دهند که
خیلی کم تحرک است و نعوذاً باللّه از
حوادث کربلا خبر ندارد و موقعی که
برادرش علی اکبر علیه السلام به دیدنش می آید، او

امام حسین علیه السلام را که بر اوج قلعه ایثار،
معرفت و معنویت قرار دارد، تنزل داده اند:
دارم به تو التماس خواهر

چون کشته ببینیم به خنجر
اطفال مرا ز غمگساری
چون گل بنشان به روی دامن
پوشم به تن خویش، کفن پوش ندارم

امروز کسی نایگرد حالت زارم
۱۰- نویسندگان تعزیه، نه تنها به

مصادر مستند و روایت معتبر دسترسی
نداشته اند و نمی توانسته اند از این منابع
بهره گیرند، بلکه حدود موازین شرعی را
نیز در نظر نگرفته، حرمت خاندان
طهارت علیهم السلام را - البته از روی ناآگاهی -
نگه نداشته اند و خواسته اند آنچه را که در
درون خیمه امام علیه السلام می گذرد، حتی غسل
دادن یکی از بانوان حرم را به نمایش
بگذارند و چون زنان نمی توانسته اند، در
این نقش ها حاضر شوند، لباس های زنان
را بر مردان پوشانیده اند.

۱۱- در پاره های از اشعار نمایش
تعزیه، زبان حال مسلم بن عقیل به شکل
حقارت آمیزی مطرح می گردد و این
جوان مرد هاشمی انسان منفعلی است که
بر حسب سرنوشتی که فلک غدار و چرخ
کج مدار برایش ترسیم کرده به کوفه

۶- تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، گردآورنده پیترو چلکو و روسکی، ترجمه داود حاتمی، ص ۶۵.
 ۷- نهج الشهادت (سخنان حضرت امام حسین علیه السلام)، به اهتمام مرتضی رضوی و احمد فرزانه، ص ۲۷۶.

۸- نساء / ۵۸.

۹- بقره / ۴۲.

۱۰- نور / ۱۵.

۱۱- مائده / ۴۱.

۱۲- مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، فضل بن حسن طبرسی، ص ۱۲۲؛ بحار الانوار، ج ۱۱؛ ضمناً درج ۷۸، ص ۳۷۲؛ بحار الانوار این روایت از قول امام حسن عسکری علیه السلام هم نقل شده است.

۱۳- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبداللّه افندی اصفهانی، ترجمه محمدباقر ساعدی، ج دوم، صص ۲۰۶ و ۲۱۱.

۱۴- حماسه حسینی، استاد شهید مرتضی مطهری، ج اول، صص ۵۲ و ۵۳.

۱۵- در مورد این اثر به الذریعه نگاه کنید، ج دوم، صص ۴۶ و ۴۷، مجله آینده، جلد ۲۱، خرداد و تیر ۱۳۵۷ شمسی، شماره ۳-۴، ص ۳۳۲.

۱۶- بهار و ادب فارسی، ج اول، ص ۲۵۸.

۱۷- شرح زندگانی من، عبداللّه مستوفی، ج اول، ص ۲۸۸.

۱۸- تفکر نوین سیاسی اسلام، حمید عنایت، ص ۲۵۵.

۱۹- حماسه حسینی، ج اول، صص ۷۹-۸۱.

۲۰- همان، ج اول، صص ۲۷ و ۲۸.

۲۱- همان، ص ۲۷.

۲۲- لؤلؤ و مرجان، میرزا حسین نوری، ص ۹۲.

۲۳- نک: مستتهی الآمال، ج اول، ص ۵۶۱، نفس المهموم، ص ۱۶۷.

۲۴- ارزیابی سوگواری‌های نمایشی، ص ۱۰۱.

۲۵- جلاء العیون، ص ۴۰۴.

۲۶- لؤلؤ و مرجان، ص ۱۹۳.

۲۷- مستتهی الآمال، ج اول، ص ۷۰.

۲۸- تعزیه و تعزیه‌خوانی، صادق همایونی، ص ۴۴.

رأی‌شناسد و زبان حالش چنین است:

رضا بودم بدان خواری پدر باشد کنون دستم
 عزیزان ناز پرورده بودم و خوار نظر گشتم
 و این نمونه:

آه ای خاک عالم بر سرم

من مگر یاران ز آهو کمترم

در تعزیه‌ای تحت عنوان غلام ترک، شخصی که به زبان ترکی سخن می‌گوید و خود را غلام امام سجاد علیه السلام معرفی می‌کند، با اشقیاء رفاقت دارد و می‌رود تا از این راه قطره آبی برای بیمار کربلا بیاورد که تاریخ چنین ماجرای را گزارش نکرده است.

۱۳- ساختن تعزیه‌هایی که ماجرای

آن‌ها کذب محض است و هیچ منبع تاریخی یا روایی ندارد همچون درویش بیابانی که به امداد امام می‌آید، سلطان قیس و وزیر او، ماجرای پیرزنی که می‌خواهد به کربلا برود، داستان فاطمه صغرا و مرغ، قصه شیر و فطنه.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- از فرمایشات حضرت سید الشهداء هنگام وداع با اهل بیت خویش علیهم السلام، نک: منتهی الآمال.
- ۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۷۸.
- ۳- آینه پژوهش، شماره ۶۱، ص ۶۱.
- ۴- ارزیابی سوگواری‌های نمایشی، ص ۲۹.
- ۵- سوره جنگ ششم، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۰۷.